

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محک باستانی

۰۱ اپریل ۲۰۱۱

## پاسخ به آقای باقی سمندر سخن گوی سایت گفتمان

(۷)

از آغاز و باروئی قلمی حاضر که آقای باقی سمندر موجب دوام یکجانبه آن تا حال شده است، مدت نزدیک به یک و نیم ماه می گذرد. با وجودی که سایت گفتمان به سلسله مانورهای مذبحانه ولی خام و رسوا متوسل شده ولی گردانندگان اصلی و پشت پرده گفتمان چه که حتما همان باقی پرطمطراق هم به اصطلاح "سنگک" شده و کلمه ای درین مدت برای دفاع از خود و یا حامیانی که نخ های وی را درانگشتان خود دارند ، به صفحه گفتمان نیاورده است. البته این تذکره معنی آن نیست که من و یا هموطنان دیگری دل شان برای چرندیات آقای سمندر تنگ شده است؛ به عکس عدم واکنش وی و یارانش به من فرصت داده که با وجود تراکم کارهای شخصی و مسلکی ، با خاطر جمع و بدون ضیاع وقت ، آن زمانی که وقت کافی داشته باشم ، سلسله پاسخ به وی (مسئولین اصلی سایت گفتمان) را ادامه بدهم.

(۱) "از رسول رحیم تا حال مقاله هایی در فریاد و درگفتمان بقلم و نام و امضای خودش منتشر گردیده است. رسول رحیم همین شرافت را دارد و داشته است که تا حال در مورد اختلافات اش با هیچ فردی بنام مستعار جمله ای ننوشته است." (۱)

آقای سمندر! در مورد ضرورت استفاده از نام مستعار در مطبوعات و به خصوص در ارائه مسائل سیاسی و ایدئولوژیک قبلاً در پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» و هم درجائی در همین بحث اشاره شده است و خوانندگان محترم این سطور می توانند باز هم به آن مراجعه نمایند. اما شما با حمق چشمگیری که بار بار از خود نشان داده اید ، اگر از یک طرف ادعای دفاع از شرافت نموده و در برابر آقای رسول رحیم سپر می شوید ، در عین حال همه آن هموطنان پاکپینتی را که روی ملحوظات موجه به استفاده از نام مستعار مجبور شده اند ، مورد اهانت قرار می دهید. این توهین زننده شمارا باید چنین جواب بگویم:

آری! رسول رحیم و خودت "همین شرافت را دارید و داشته اید" که تا حال با تکیه بر همدستان جنایتکار داخلی و بادران فاشیست و وحشی خارجی تان با خاطر آسوده و بدون کوچکترین اندیشه ای از ضربت خوردن، "درمورد اختلافات تان با هر فردی بانام اصلی نوشته اید." و این را اضافه می نمایم که ازین نگاه میزان شرافت تان مساوی با شرافت صمداز هراست زیرا وی هم بدون دغدغه خاطر با نام اصلی می نویسد.

۲) آقای سمندر با شارلتانی خاصی که دارد ، یعنی اینکه نظریه موقعیت ، گفتاروی می تواند "ذکاوت" و یا هم لودگی ناشی از احساسات تلقی شود ، هر بار قضایا را از متن آن بیرون نموده به عنوان ثبوت و توجیه ارائه می نماید. به این ترتیب ، شناخت احتمالی نزدیک به چهل سال پیش آقای رسول رحیم با شهید مجید را که درجو کاملاً متفاوتی ممکن رخ داده باشد ، به عنوان هم نظری و هم موقف بودن آن بزرگمرد با یک فرد مشکوک و خائن پروری چون رسول رحیم استناد می نماید. گیرم که رسول رحیم برای مطرح ساختن خود در آینده، در آن زمان که خطوط تمایز ایدئولوژیکی بخش ضدروسی و ضداخوانی جنبش روشنفکری افغانستان هنورد رشت نشده بودند ، با آن شهید قهرمان سلام و علیکی پیدا نموده بود، آیا امروز به پاس همان سلام و علیک ، جوانمردانه است تا قاتلان وی را در آغوش گرفته و ضمن راه دادن آن جنایتکاران به بهانه محیلانه تعمیم «دموکراسی» ، آن نوکران شرفباخته سوسیال امپریالیزم را به «ستایش» از مجید تشویق نماید؟ حتا در معاشرت های عادی کشور ما رسم جوانمردی حکم می کند که انسان (یعنی انسان و افغان واقعی) پاس نمک و دوستی را به جا نموده ، با قاتل دوست خود، دوست و یار و یاور نشود!

من مانند آقای سید موسی عثمان «هستی» افتخار شناخت و صحبت با بزرگمرد افسانه ئی کشور ما - مجید کلکانی - را نداشته ام ولی این را با اطمینان کامل و حتا با قاطعیت می توانم ادعا نمایم که با آنچه از یاران واقعی و همسنگران دلیر و نترس وی شنیده ام ، وهم آنچه کم و بیش از وی خوانده ام ، دال بر آن است که اگر آن رادمرد امروز حیات می داشت و به دست صمداز هرهای پست و کثیف در حساس ترین مرحله مقاومت مردم ما علیه سوسیال امپریالیزم روس و سگان هار داخلی آن شهید نمی شد ، امروز در پهلوی من و هم فکران و هم سنگران من قرار می داشت نه در کنار عناصر پست ، بار بار شرف باخته ، مزدور ، انقیاد طلب ، وطن فروش ، خائن و جنایتکار... که امروز در کنار سایر شرف باختگان رهبری سایت گفتمان نیز از آنها پراست. رسول رحیم و عده ای معلوم الحال دیگر که سابقه شناخت با شهید مجید را مزورانه به رخ این و آن می کشند ، باید این را ملتفت باشند که در موقع لازم باید از خیانت خود به آن دوستی (خیانت به راه و رسم مبارزاتی مجید) در برابر مردم پاسخ گویند زیرا برای همیشه این تجارت سیاسی را نمی توانند دوام بدهند. به یک کلام : من و امثال من ، با جرأت ، شهامت و اعتقاد نه تنها از مجید با افتخار یاد نموده بلکه در عمل به ثبوت می رسانیم که به آرمان آن سپهسالار واقعی خلق ما صادق بوده تا پای جان مبارزه ضد استعماری و ضد ارتجاعی وی را ادامه خواهیم داد ؛ و بر دهان یاهو سرای تاجران سیاسی هم رکاب اشغالگران که جرأت "ابراز دوستی" با مجید را می نمایند ، هم بکوبیم. اگر رسول رحیم و هم پالگانش اینقدر به خاطر «دوستی» خود با مجید اهمیت قائل هستند ، پس چرا به عوض کنکاش درباره چون و چرای قتل میوندوال ، پرده از روی چگونگی قتل مجید کلکانی بر نمی دارند؟

اینکه گویا رسول رحیم به نمایندگی از جبهه متحد ملی در کنفرانس فلورانس شرکت نموده است ، هیچ چیزی را در رابطه با مجید و حتا "سامای آنوقت" نمی تواند ثابت نماید زیرا علت وجودی و ترکیب جبهه متحد ملی افغانستان که طیف وسیعی از عناصر ضدروسی را در آن زمان احتوا می نمود ، ممکن زمینه آن را برای اشخاصی چون

رسول رحیم مساعد نموده باشد که خود را نماینده مردم جا بزنند. اگر شرایط مختلف در تاریخ مبارزات درمقاطعی پدید نمی آمد ، هیچگاه سخنی از تروتسکی و تنگسیاوپنگ و دهها و صدهای دیگر در بین نمی بود ؛ ولی آیا برشی از سابقه مبارزاتی آنها ممکن است از آنها همسنگران و جانبازان همردیف رهبران انقلاب بسازد؟

اینکه "اعلامیه آن کنفرانس" ، "نشرات همان وقت" و "جلسه های متعدد" هنوز هم به یادتان است، به چنین حافظه ای در خور فیل باید آفرین گفت! چطور ممکن است که اشخاص عادی و فانی اینهمه جزئیات معلق را بعد از اینهمه وقتی که از آن زمان گذشته است، هنوز هم به حافظه نگه داشته باشند؟! ولی اینکه شما به پشاور رفته و در اتحادیه داکتران با رسول رحیم چند گپ زده باشید ، «افتخار» آن فقط می تواند برای خود شما قابل فهم و قابل توجیه باشد و ثمره آن را امروز در خیانت به مردم و همدستی با دشمنان متجاوز و فاشیست امپریالیستی یکجا و در پایکوبی با صمدان هر می چینید!

**۳) "ازینرو خواهیم ازسید موسی و محک باستانی اینست که لطفن در پشت نام سامایی های عزیز و جان نثار که خون خود را در راه آرمان خود ریختند ، بیهوده سنگر نگیرید."**

آقای سمندر! به این نمی توان «کاسه داغ تراز آش» اطلاق کرد زیرا آن اصطلاح زشتی گفتار شمارا نمی تواند بیان نماید ، بلکه آن «خواهش» شما دیده درائی ، عوامفریبی و به معنی واقعی آن پستی و رذالت است! شما این توصیه را به آن پرچی هائی نمائید که به کمک دشمنان سوگندخورده ولی «دوست» - نمای مجید که شما هائید ، جرأت می نمایند تا نام آن شهید ملت ما را در دهان خون آلود و گندیده خود افاده نمایند. ننگ و نفرین بر شما خائنان و جنایتکاران «حزب حرامزادگان»!!!

ادامه دارد